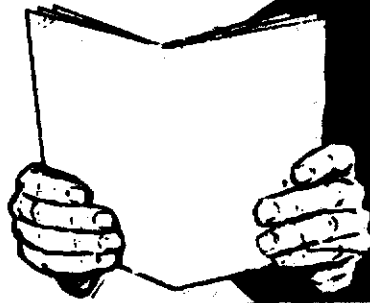


● از ج - الف



پروامون داستانهای قرآن

## يك بحث تطبیقی درباره داستانهای قرآن

● به چه دلیل داستانها و سرگذشت های قرآن از کتب دیگر گرفته نشده ؟

قصص و داستانهای قرآن ، گوشه ای از تاریخ بشر است ، فراگیری این داستانها ودقت دررموز ومضامین آنها ، همان نتیجه را دربرخواهد داشت که بررسی تاریخ صحیح بشر ، آن را در بردارد بااین تفاوت که :

داستانهای قرآن از طریق وحی الهی که از هر نوع خطا و اشتباه مصون است بدست ما رسیده است ، درحالی که در تاریخ مدون بشر ، راست و دروغ ، به هم آمخته شده و برای نتیجه گیری ، ناچاریم که صحیح مطلق ویانسیبی را از دروغ آن ، جدا سازیم .

اهمیت مطالعه تاریخ پیشینیان ، و آثار تربیتی و پرورشی آن ، هرکسی پوشیده نیست . یکی از آثار سازنده بررسی تاریخ اقوام وملل پیشین ، این است که انسان کنجکاو ، به علل ترقی و پیشرفت ، ویا عوامل انحطاط وعقب ماندگی ملت ها ، پی می برد و با آنها آشنا می گردد . واگر فردی متمهد ومسئول باشد از لابلای صفحات تاریخ ، درس هایی آموخته و آنها را در زندگی فرد واجتماعی خود به کار می بندد واز رعایت این عوامل ، در رهبری اقوام وجمعیتی که مسئولیت آنها را برعهده گرفته است ، غفلت نمی ورزد .

قرآن مجید در موارد متعددی روی این اثر بارز تکیه می کند و در آیه ای این

اولم یسیر وافی الارض فینظر واکیف کان عاقبة الذین من  
قبلهم کانوا اشد منهم قوة و اثاروا الارض و عمروها  
اکثر مما عمروها و جاءتهم رسلهم بالبینات فما کان الله  
لیظلمهم ولكن کانوا انفسهم یظلمون (۱)

چرا در روی زمین به سیر و سیاحت نمی‌پردازند تا سرانجام زندگی  
گروهی را که پیش از آنان در آن زندگی می‌کردند ، ببینند گروهی  
که از قدرت و نیروی فزون‌تری بهره‌مند بودند و بیش از آنها زمین  
را شکافته و زیرو رو کرده و به عمران و آبادی آن پرداخته بودند  
پیاپیر این اقوام ، با دلائل کافی برای هدایت آنان برانگیخته  
شدند ، آن‌چنان نبود که خدا بر آنها ستم کند بلکه آنان خویشان را  
ستم نمودند .

### محدودیت در بررسی تاریخ اقوام :

در عصر حاضر ، بررسی تاریخ اقوام و ملل از زاویه نوسان‌های مادی صورت می‌گیرد  
و همت محققان تاریخ بر این معطوف است که زندگی ملل جهان را از نظر سیاسی و اقتصادی  
و فرهنگی مورد بررسی قرار دهند در حالی که بررسی جهات اخلاقی و دینی اقوام گذشته ،  
خود حائز اهمیت بیشتری می‌باشد .

شکی نیست که رعایت جهات اخلاقی و دستورهای دینی با سرنوشت ملت‌ها ، ارتباط  
مستقیم دارد گروهی که اصول اخلاقی و ضوابط دینی را رعایت کنند ، در پوشش گسترده  
رحمت خدا قرار می‌گیرند در حالی که سرانجام مجرمان و گنهکاران درست نقطه مقابل این  
است و رحمت خدا ، و خشم و غضب او جزواکش اعمال و نتیجه رفتار و کردار خوب و بد  
ملت‌ها ، چیز دیگری نیست و قرآن روی این جهت ، انگشت‌گذارده و قلوب و دل‌های  
آگاه و پندگیر و عبرت‌بین را متوجه آن می‌سازد چنانکه می‌فرماید :

قل سیر وافی الارض فانظر واکیف کان عاقبة المجرمین  
(نمل آیه ۶۹) (۱).

بگو در روی زمین سیر کنید و سرانجام گنهکاران را تماشا کنید .

تاریخ جامع و تحریک بخش ، تاریخی است که تمام جهات زندگی اقوام و ملل را در

۱ - سوره روم : آیه ۹ ، این مضمون در قرآن در موارد مختلفی وارد شده است

از آن جمله سوره فاطر آیه ۳۳ غافر آیه ۲۱ و ۸۲ محمد آیه ۱۰

۱ - همین مضمون در سوره نحل آیه ۳۶ وارد شده است .

صفحات خود ، تابلو کند و از میان زوایای زندگی ، به زاویه های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی اکتفا نرورد و رعایت اموراخلاقی وانجام دستورهای الهی ویا سرپیچی از آنها رازبربنای حیات ملل تلقی کند که با دگرگونی این جهت ، سرنوشت ها دگرگون می گردد ، و مسیر تاریخ عوض می شود .

سقوط نظامی فرانسه در آغاز جنگ های بین المللی دوم ، مغزها را تکان داد ، و همه را در بهت عظیمی فروبرد ، وانگشت تعجب به دندان گرفتند که چگونه ملتی پیشرفته که کشورشان مهد علم وصنعت بود ، در برابر حمله نازی ها از پای درآمد و پس از بررسی روشن گردید که سقوط اخلاقی يك ملت ، مایه سقوط نظامی و سیاسی آنان گردیده و آنان را محکوم ساخته است و هر موقع رئیس جمهوری فرانسه می خواست دستور حمله و یا دفاع صادر کند معشوقه طنازوی که جاسوس نازی ها بود با عشوہ گری های خاص خود ، او را از توجه به مسئولیت خطیر خود منصرف می ساخت :

### قصص قرآن :

« قصص » ( قصص ) به فتح قاف هر دو مصدر است ، به معنی اثر و یا سرگذشتی که از اقوام به یادگار می ماند .

داستانهای قرآن ، از شعب فرهنگ و معارف قرآن به شمار می رود ، هدف از نقل تاریخ پیامبران و امت های پیشین اموریست که به بیان برخی می پردازیم .  
**گواه نبوت و برهان رسالت است :**

تاریخ پیامبران و اقوام پیشین در کتابهای عهد جدید و قدیم بایک رشته تعریف های روشن و اغلاط واضحی همراه است و رویارو قراردادن قصص قرآن که در عهدین وارد شده است می تواند روشنگر اشتباهات و خطاهای کتب پیشینیان گردد ، و سرانجام گواه روشن بر آسمانی بودن خود باشد .

در جهان امروز فقهی به نام « فقه مقارن » و حقوقی به نام « حقوق تطبیقی » داریم در اینجا شیوه بحث ، مقایسه فقهی با فقه دیگر ، و رویارو قرار دادن حقوقی است در برابر حقوق دیگر ، در این مقایسه و تطبیق ، به نقاط ضعف و قوت مکتب ها به خوبی می توان پی برد . و هر دو را با موازین صحیح ارزیابی نمود .

اگر دو مکتب فقهی و یا حقوقی با یکدیگر فاصله زمانی داشته باشند می توان تأثیر وعدم تأثیر آن را در یکدیگر به خوبی بدست آورد . اگر یک دانشمند حقوقی ، حقوق اسلام را با حقوق رایج آن زمان در ایران و روم مقایسه کند ، می تواند به روشنی داوری کند که قوانین اسلام از قوانین رایج جامعه های یاد شده متأثر نگردیده و از آنها چیزی نگرفته است ، زیرا آنچنان فاصله میان این دونوع تشریح وجود دارد که به زحمت می توان قدر

مشترک‌هائی میان این دونوع حقوق اندیشید .

عین این مقایسه رامی‌توان دربارهٔ قصص قرآن و سرگذشت‌های امم پیشین انجام داد در این مقایسه و رویارویی خواهیم دید که قرآن محتویات خود را دربارهٔ پیامبران و امم گذشته از عهدین نگرفته است زیرا آنچنان اختلاف عظیم و تباین در محتوا و توصیف پیامبران ، میان آنها وجود دارد که هرگز نمی‌توان یکی را اصل و دیگری را فرع و کپی آن دانست ، واگر می‌بینید داستانهای قرآن ریشه‌هائی در عهدین دارد به این خاطر است که هر دو از موضوع واحدی سخن می‌گویند قهرأ باید ریشه‌های مشترکی داشته باشند ، گذشته بر این تورات وانجیل و . . از کتابهای آسمانی است که تحریف به تمام محتویات آن راه‌نیافته است بلکه به خاطر خیانت یا اجبار ، تحریف به گونه‌ای در برخی از محتویات آن نفوذ کرده است ، از این جهت باید میان این دونوع کتاب هم قدر مشترك وهم جهات میزهای وجود داشته باشد جهات مشترك معلوم است ، جهات میزه همان پیراستگی از افسانه و خرافات است که عهدین را بر کرده است و در قرآن اثری از آنها نیست .

به راستی یکی از طرق اثبات اعجاز قرآن قصص و داستان‌های آن است زیرا يك فرد امی و درس نخوانده در محیطی که در آن از این قصص و داستانها خبر و اثری نبود و خود او و افراد محیط وی با این مطالب آشنا نبودند بدون يك مدد غیبی نمی‌تواند سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین را به صورت خرد پسند که شایستهٔ مقام پیامبران است بی‌آنکه به خرافه و افسانه آلوده گردد ، تنظیم کند و در کتاب خود به عنوان « احسن القصص » و یا « حدیث دیگران » باز گو کند .

اینکه گفتیم بی‌آنکه به خرافه و افسانه آلوده گردد به این خاطر است که عهدین در بیان سرگذشت پیامبران و توصیف آنان آنچنان دچار افسانه‌گویی شده‌است که هرگز به حکم عقل و خرد نمی‌توان آنها را به بندگان برگزیده خدا نسبت داد .

کافی است که شما سرگذشت آدم و نوح و ابراهیم و لوط و یخوب و داود و سلیمان را در عهد عتیق مطالعه بفرمائید و آنچه را که قرآن دربارهٔ آنان گفته است روی روی آن ، قرار دهید سپس داوری کنید که کدام کتاب می‌تواند کتاب آسمانی باشد و محتویات کدام با حکم عقل و خرد مطابق است .

خدا در داستان آدم ( نعوذ بالله ) يك فرد دروغگو ا و نوح يك فرد شرابخوار ا ، ابراهیم يك فردی تفاوت نسبت به همسر ا ، لوط آلوده به گناه با دختر خود ا ، یعقوب يك فرد مکار و حیله‌گر ا ، داود يك انسان سفاک و خونریز که به خاطر تجاوز به همسر شخصی ، او را می‌کشد ا سلیمان يك انسان بت‌پرست ا معرفی شده‌اند . (۱) در حالی که قرآن این گروه را انسان‌های زنده و افراد معصوم و پیراسته از گناه که دارای صفات برجسته

انسانی و فضایل اخلاقی بودند معرفی می نماید ، شما می توانید مشروح این بحث را در کتاب قرآن و آخرین پیامبر مطالعه فرمائید .



۱ - البته تورات و انجیل واقعی و دیگر کتاب های آسمانی که از جانب خدا بسوی بشر نازل شده اند پیراسته از این خرافه ها و افسانه هستند و این پیرایه ها مربوط به آن گروه از کتابهای آسمانی است که دست تحریف به آنها راه یافته است .

بَصِيحَةٌ : كَلِمَةٌ تَلْعَنُ ...

همان کاری که «شیطان» در دشمنی با انسان، انجام می دهد: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ (۴)» .

: انسان را به زشتیها و نامردمی ها و پستی ها ، دعوت می کند ا...  
ادامه دارد

- بقره آیه ۲۶۸ و ۱۶۹ و سوره نور آیه ۲۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):  
أَنْصُرُ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا، إِنْ يَكُ ظَالِمًا فَازِدْهُ عَنْ ظَلَمِهِ  
وَإِنْ يَكُ مَظْلُومًا فَانصُرْهُ

پیامبر اسلام فرمودند:

برادر مسلمانان را یاری کن، چه ظالم و ستمگر باشد و چه مظلوم و ستمکشیده ا، (به این صورت که): اگر ستمگری پیشه ساخته، او را از ظلم و ستم بازدار، ! و اگر مظلوم واقع شده است، وی را یاری کن!

«نهج النصاحه»